

اروپا - آمریکا، چالش‌های اوباما در مناسبات فراآتلانتیکی

قاسم محب‌علی^۱

روی کار آمدن اوباما در ایالات متحده آمریکا، با استقبال وسیعی در اروپا روبه‌رو شد، در واقع استقبال اروپاییان از اوباما نشان دهنده کدورت خاطر آنان از رئیس‌جمهور قبلی آمریکا و رنجی بود که آنان از سیاست و رفتار جرج بوش در دوره هشت ساله ریاست وی بر آمریکا کشیده بودند.

روابط اروپا و آمریکا در دوران هشت‌ساله رئیس‌جمهوری بوش، فرازونشیب‌های بسیاری را شاهد بود. در مجموع می‌توان گفت که اروپای غربی و همچنین اتحادیه اروپا هیچ‌گاه به اندازه دوران بوش از سیاست‌های آمریکا احساس دلخوری و ناراحتی نکرده و هیچ‌گاه اروپاییان نتوانستند در قبال سیاست‌ها و اقدامات دولت بوش، مواضع یک‌پارچه و کاملاً همراهی‌کننده‌ای اتخاذ نمایند. نگرانی‌های اروپا بیش از هر چیز از نادیده گرفته شدن آنان توسط آمریکا و سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه نومحافظه‌کاران ناشی می‌شد بویژه در دوره اول بوش، اروپاییان هیچ گوش شنوایی در دستگاه اداری دولت پیدا نمی‌کردند و نومحافظه‌کاران در تصمیم‌گیری‌ها و تنظیم سیاست‌ها جایی برای آنان در مناسبات جهانی و به اصطلاح مدیریت جهانی خویش نمی‌دیدند و آنچه از اروپاییان انتظار داشتند صرفاً همراهی و همکاری با آمریکا بود. اختلافات دو طرف در قضیه تهاجم نظامی آمریکا به عراق بدون توجه به نظرات و مخالفت‌های قدرت‌های اروپایی به اوج خود رسید و منجر به انتقادات و تبلیغات شدید در دو سوی اقیانوس اطلس علیه یکدیگر گردید. با اینکه به تدریج دو طرف سعی کردند از کشاندن اختلاف دیدگاه‌ها و مواضع خویش به سطوح علنی و تبلیغی خودداری کرده

۱. کارشناس ارشد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

و بخصوص در پی قضیه بالاگرفتن مناقشه هسته‌ای با ایران نمایش نسبتاً یک‌پارچه‌تری از خود نشان دهند و آمریکایی‌ها نیز با به بازی گرفتن اروپاییان در افغانستان در چارچوب ناتو و همین‌طور حمایت از ابتکار اروپایی در مسئله هسته‌ای ایران تلاش کردند از اروپایی‌ها دلجویی نمایند، اما واکنش شگفت‌انگیز اروپا در قبال انتخاب اوباما و استقبالی که از این تغییر در مدیریت آمریکا در همه عرصه‌های رسمی، رسانه‌ای و افکار عمومی شد، از این واقعیت پرده برداشت که اروپا همچنان از بوش و سیاست‌های دولت وی به شدت سرخورده بوده و برای پایان آن و تغییر در حکومت آمریکا لحظه‌شماری می‌کرده است.

با این حال به نظر می‌رسد اوباما، با فهرستی طولانی از چالش‌های داخلی و خارجی مواجه باشد، که از جمله آنها کسری بودجه وسیع و بحران مالی، ارثیه‌هایی است که از دولت قبلی باقی مانده که مسلم است کنترل آنها و کوشش برای عبور از آنها، اولویت اولیه و اصلی اوباما خواهد بود. بر همین اساس، احتمالاً وی پیش از هر اقدام دیگری از اروپاییان خواهد خواست که تلاش بیشتری برای کمک به اقتصاد آمریکا صورت دهند، درخواستی که با احتمال بسیار بالا خوشایند آنان نخواهد بود.

حتی اگر اروپا به کمک و یاری آمریکا برخیزد باز هم رهبری فرا آتلانتیکی، موضوعی حل‌نشده و تشنج‌آفرین بین آنها می‌باشد. همچون گذشته بسیاری از مواضع داخلی و خارجی اوباما با رهبران اروپایی متفاوت خواهد بود و ممکن است وی نیز همچون سلف خویش انتظار و درخواست‌های مشابهی از دولت‌های اروپایی داشته باشد، بدون اینکه پیشتر با آنان به توافق رسیده باشد.

تیم امنیت ملی اوباما و کسانی که او را احاطه کرده‌اند همگی معتقد به «رهبری جهانی بلامنازع و سیادت آمریکا در جهان» می‌باشند. خانم هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه جدید و خانم سوزان رایس (ارتباطی با خانم رایس وزیر قبلی ندارد) سفیر جدید در سازمان ملل متحد، هر دو مکرراً از سیاست استفاده از قدرت نظامی بدون تجویز شورای امنیت سازمان ملل و به عبارتی با موافقت و هماهنگی متحدین اروپایی حمایت کرده‌اند. مسئله‌ای که همه دولت‌های اروپایی از آن ناراحت و دلخور بوده و این رویکرد در هیچ‌یک از پایتخت‌های اروپایی مورد حمایت قرار نداشت و نخواهد داشت. علاوه بر مسائل کلیدی و راهبردی فوق، به نظر می‌رسد مسائل ذیل نیز برخی از چالش‌ها و موضوعات مورد بحث و مناقشه اروپا و آمریکا طی سال پیش‌رو خواهد بود:

۱. **افغانستان:** چگونگی حل و فصل بحران افغانستان و تعیین رویکردی مورد توافق پیرامون آن، بیش از هر موضوع دیگری در سیاست خارجی فرا آتلانتیکی، توجه اوباما را به خود جلب کرده است. در طول مبارزات انتخاباتی، وی به طور مشخص در این خصوص اظهارنظر و راه‌حل ارائه نموده است. طرح وی برای اعزام حدود سی هزار نفر نیروی جدید علاوه بر حجم فعلی نظامیان حاضر به افغانستان، تا حال با بی‌میلی و واکنش سرد اروپاییان روبه‌رو شده است. احتمال می‌رود مجادله حول این امر، در جریان اجلاس سران ۲۶ کشور عضو ناتو، که قرار است در آوریل آینده منعقد شود بین دو طرف به شدت بالا بگیرد.

۲. **ایران:** اوباما متعهد شده است که از دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای ممانعت به عمل آورد. از یک سو وی اعلام کرده او هرگز گزینه نظامی را از روی میز بر نخواهد داشت و در همان حال از سوی دیگر گفته است که قصد دارد بدون هرگونه پیش‌شرطی وارد تعامل و گفتگو با ایران شود. مسیر موردنظر اوباما با مسیر مورد نظر مسئولین اروپایی و خصوصاً چارچوب توافق شده با سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) منافات دارد. در چارچوب توافق شده قبلی که مورد تأکید قطعنامه‌های شورای امنیت نیز قرار گرفته است، هرگونه مذاکره رسمی با ایران موقوف به پیش‌شرط تعلیق غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران شده است. علاوه بر این اگر پیش دستی اوباما بر اروپاییان در اثر واکنش منفی ایران با شکست مواجه شود احتمال دارد که آمریکا وضع تحریم‌های شدیدتری علیه ایران را مدنظر قرار دهد، امری که به احتمال زیاد برای اروپاییان جذابیت نخواهد داشت، چرا که آنان علاقه دارند هر چه زودتر مرحله تحریم را پشت‌سر گذارده و وارد معاملات تجاری و اقتصادی با ایران شده و خصوصاً حضور خویش را در بازار انرژی ایران تقویت نمایند. مسئله‌ای که با سیاست متنوع سازی منابع تأمین انرژی اتحادیه اروپا مستقیماً در ارتباط است.

۳. **ناتو:** علاوه بر مسئله اعزام نیرو، آمریکا و متحدین اروپایی درخصوص چگونگی تجدید حیات افغانستان به عنوان یک دولت-ملت و همین طور تبدیل دولت آن به دولتی کارآمد و قابل، با یکدیگر اختلاف دارند. اختلافات واقعی در صحنه اجرایی و پیگیری شیوه‌ها و رویکردهای متفاوت و حتی متضاد باعث شده است که اعتبار ناتو به‌مثابه یک اتحادیه دارای توانایی اجرای پروژه سنگین و سخت متحد چشمگیری

مخدوش گردد. اعضای ناتو، پیرامون پیوستن گرجستان و اوکراین به آن با یکدیگر هم‌نظر نیستند. اوباما گفته است که از عضویت این دو کشور در صورت کسب آمادگی‌های لازم از سوی آنان، حمایت خواهد کرد. اعضای اروپایی ناتو مثل فرانسه و آلمان با گسترش ناتو مخالفند. استدلال آنان به مخالفت روسیه بازگشته و آنان این حرکت را اقدامی تحریک‌آمیز علیه روسیه دانسته و لذا علاقه‌ای به این کار ندارند.

۴. مسئله دفاع موشکی در اروپا: اوباما در جریان مبارزات انتخاباتی اظهار داشت که هزینه‌های غیرقابل توجه سیستم دفاع موشکی را قطع خواهد کرد، اما به‌طور مشخص، موضع روشنی در رابطه با طرح سیستم دفاع موشکی در لهستان و چک اتخاذ نکرد.

علیرغم اینکه این طرح در اجلاس آوریل ۲۰۰۸ ناتو در بخارست مورد تأیید قرار گرفت اما همچنان بر سر اجرای این پروژه اختلاف وجود داشته و اروپایی‌ها به دو گروه مخالف و موافق تقسیم شده‌اند. لهستان و جمهوری چک، براین باورند که سیستم دفاع موشکی، امنیت آنان را در برابر روسیه افزایش خواهد داد، در حالی که اغلب کشورهای اروپایی، نسبت به نادیده گرفته شدن مخالفت روسیه و برانگیختن خشم آن علیه اروپا ابراز ناراحتی و نگرانی می‌کنند و اجرای آن را مخرب برای روابط در حال گسترش ولی آسیب‌پذیر با روسیه می‌دانند. توجیه تبلیغاتی این پروژه، تأمین امنیت اروپا در قبال تهدیدات محتمل قدرت موشکی در حال پیشرفت ایران عنوان شده است، اما هیچ‌یک از طرف‌های قضیه ظاهراً این مستمسک آمریکا را جدی نگرفته و همگان چه مخالف و چه موافق آن را در معادله مناسبات اروپا- آمریکا با روسیه مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

۵. تغییرات آب و هوایی و مسئله آلودگی محیط زیست: اوباما برای کاهش گازهای دی‌اکسیدکربن تا سطحی معادل ۸۰٪، تا سال ۲۰۵۰، اظهار تمایل کرده است. برای تحقق این آرزو، اعتباری بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری بر روی تکنولوژی‌های صرفه‌جویی‌کننده انرژی و همین‌طور انرژی‌های نوین موردنیاز خواهد بود. حتی اگر علی‌رغم شرایط نامساعد فعلی، کنگره آمریکا با این پیشنهاد اوباما موافقت نماید باز هم نگاهی به واکنش‌های اروپاییان حاکی از آن است که همچنان رویکرد جدید آمریکا با پیشنهادات و طرح‌های آرمانی اروپا فاصله بسیاری دارد. انتظار اروپا به عنوان طرفی که خود را رهبر مبارزه با تغییرات آب و هوایی و منادی حفاظت از

محیط‌زیست جهانی می‌داند از آمریکا این است که پاسخ مناسب و درخوری به درخواست‌های آنان بدهد.

۶. **اقتصاد جهانی:** در حالی که تیم اوباما برای جلوگیری از احتمال تکرار بحران‌های مالی مشابه در آینده، با پیش‌بینی و اجرای یک رشته اقدامات اصلاحی در اقتصاد آمریکا موافقت کرده است اما اوباما تاکنون هیچ‌گونه تمایلی برای مورد توجه قراردادن درخواست‌های اروپاییان برای آنچه که آنان «بازنویسی قواعد و مقررات نظام سرمایه‌داری جهانی» می‌خوانند، از خود نشان نداده است. انتظار می‌رود اختلافات و مباحث پیرامون سطح مداخلات دولتی و همین‌طور حجم تغییرات ضروری در ساختارهای حقوقی و مالی ناظر بر اقتصادهای ملی و جهانی، در اجلاس سران دول صاحب اقتصادهای بزرگ، که قرار است در آوریل آینده در شهر لندن برگزار شود به اوج خود برسد و ایده‌های ارائه‌شده آمریکا و اروپا تفاوت چشمگیری با یکدیگر داشته باشند.

۷. **منازعه عربی - اسرائیلی:** رهبران اروپایی انتظار دارند که آمریکا رویکرد نسبتاً متوازن‌تری را در قبال این بحران در حال اوج‌گیری اتخاذ نموده و علاوه بر آن به اروپا نیز در همه سطوح حل‌وفصل این قضیه به عنوان یک بازیگر مؤثر نگاه کرده و نقش آن را صرفاً یاری‌رسانندهٔ اجرای طرح‌ها و ابتکارات آمریکایی می‌داند و به تفاهمات آمریکا و اسرائیل محدود نگرداند. اما همه نشانه‌ها از این امر حکایت می‌کند که به احتمال بسیار زیاد روابط آمریکا و اسرائیل همچنان نزدیک و دست نخورده باقی خواهد ماند. هرچند که امکان دارد که موضع اوباما تا حد قابل‌توجهی به نتایج انتخابات اسرائیل در ماه آوریل ۲۰۰۹ گره خورده باشد ولی این‌گونه که پیداست اوباما همچنان مانند همتایان پیشین خویش بیشتر نسبت به آنچه که معمای امنیت اسرائیل خوانده می‌شود گرایش نشان می‌دهد و یافتن راه‌حلی مورد رضایت طرفین موکول به برطرف‌شدن دغدغه‌ایست که بیشتر مشکل طرف اسرائیلی قضیه می‌باشد. در همان حال سوابق خانم کلینتون نیز بیانگر آن است که وی در حمایت بی‌چون‌وچرا از اسرائیل تردید نکرده است. اگر چنین باشد مناسبات فراتلانتیکی در قضیه صلح خاورمیانه تابعی از مناسبات به مراتب نزدیک‌تر آمریکایی - اسرائیلی خواهد بود و اروپاییان از جایگاهی که به آنان داده خواهد شد احساس رضایت نخواهند کرد.

۸. **بازداشتگاه گوانتانامو:** اواما با صدور فرمان بستن زندان گوانتانامو در اولین روز کاری خویش در کاخ سفید، در این مرحله پایبندی خویش را به آنچه که در جریان مبارزات انتخاباتی گفته بود نشان داده است. اما مسائل و موانع حقوقی و قانونی متعددی بر سر اجرای بی‌درسر این تمایل قرار گرفته که تعطیلی کامل این زندان را حداقل تا یکسال آینده با دشواری ممکن می‌سازد. دولت‌های اروپایی سال‌هاست که درخواست بستن این بازداشتگاه را داشته‌اند، اما اکنون صورت مسئله تغییر کرده و این دولت‌های اروپایی خواهند بود که برای یافتن محلی برای زندگی و جایی برای نگهداری ۲۴۸ نفر باقی مانده در بازداشت بایستی با آمریکا همکاری نمایند. در این خصوص نیز در بین اروپاییان تفرقه و اختلاف نظر حاکم است. برخی می‌گویند که آمادگی دارند که این مسئله را تحت بررسی قرار دهند و تعدادی دیگر بر این مسئله تأکید می‌کنند که حل‌وفصل این مسئله نیز از جمله مسئولیت‌های واشنگتن به‌شمار رفته و اروپا دخالتی در شروع آن نداشته است که حالا بخواهد در پایان دادن به آن مشارکتی داشته باشد.

۹. **عراق:** علی‌رغم این که اروپا پس از مخالفت‌های اولیه بتدریج ترجیح داد سیاست آرامی در قبال تحولات عراق و اشغال آن از سوی آمریکا بدون توجه به منافع و مواضع اروپای تاریخی (فرانسه و آلمان) منهای انگلیس دنبال نماید. در واقع اروپا به این نتیجه رسید که جدا از تفرقه حاکم در بین آنها، اروپا هیچ راه‌حلی برای حل‌وفصل آنچه در عراق رخ داده است، بخصوص مقابله با خطر گسترش ناامنی و رشد افراط‌گری و تروریسم در سال‌های پس از اشغال در دست ندارد. لذا بهتر است ساکت بنشیند و در شکل یک نظاره‌گر اجازه دهد آمریکا آنچه را که شروع کرده خود به پایان برساند. اما واضح است که اروپاییان خصوصاً بزرگان آن مانند فرانسه و آلمان اگر دریچه‌ای برای ورود به صحنه بازی در عراق پیدا نمایند از آن فرصت برای ورود به مسئله عراق و همین‌طور امنیت خلیج فارس و مشارکت بیشتر در منابع انرژی عراق و منطقه سود خواهند برد. باتوجه به شرایط فعلی ایران و عمده شدن مسئله مناقشه هسته‌ای ایران با غرب و اولویت یافتن مسائل امنیتی، اروپا ترجیح می‌دهد تا حل‌وفصل این قضیه فعلاً سیاستی بیشتر مؤید و نه متفاوت با آمریکا در قبال عراق دنبال نماید به‌خصوص آنکه علاقه اواما نیز کاهش مداخلات در عراق و خارج کردن هرچه سریع‌تر نیروها از آن می‌باشد. اما نمی‌توان این نکته را از نظر دور داشت که تغییر شرایط می‌تواند منجر به تغییر نظر اروپایی‌ها شود.

علیرغم گزافه‌گویی‌ها و بیانات هیجان‌برانگیز اوباما پیرامون «چشم‌اندازهای جهانی» در جریان مبارزات انتخاباتی تجربه نشان داده هنگامی که وی پشت میز ریاست جمهوری قرار گیرد عملاً گزینه‌های امنیت و منافع آمریکایی را بر سایر گزینه‌های ممکن مقدم خواهد داشت. لیکن کمک‌ها و همکاری اروپا با وی بستگی به چگونگی پرداختن و نحوه پیشبرد آن چشم‌اندازها (دموکراسی، حقوق بشر، چندجانبه‌گرایی، همکاری دسته‌جمعی، کاهش نظامی‌گری و...) خواهد داشت.

از جمله کارت‌های برنده باراک اوباما در مقوله‌های مطرح شده، علاقه و حمایت افکار عمومی اروپایی از وی می‌باشد که نشان می‌دهد مردم اروپا واقعاً خواستار موفقیت وی در رأس دولت آمریکا می‌باشند. این فضای مناسب، شرایطی را برای دولت‌های اروپایی فراهم می‌سازد تا بتوانند در بسیاری از مسائل مشکل‌مهم، به حمایت از اوباما بپردازند. امری که در سال‌های گذشته با دشواری‌های زیاد و انتقادات فراوان در سطح افکار عمومی، رسانه‌ای و احزاب اپوزیسیون بیشتر چپ‌گرا مواجه بود.

ایران و وضعیت پیش‌رو

علیرغم خوشبینی‌های اولیه به نظر می‌رسد همچنان چالش‌های فراوانی بر سر رویکردها و شیوه‌های مواجهه با مسائل جهانی و فیما بین در برابر اتحاد فراتلسی و یا به عبارتی همبستگی جهان غرب وجود داشته و تشکیل غربی یک پارچه موکول به فائق آمدن بر آنها خواهد بود. لذا می‌توان گفت همچنان جای بازی و اعمال سیاست در حدفاصل اروپا و آمریکا، برای کشورهای دیگر و قدرت‌های ثالث وجود خواهد داشت. البته این امر به محتوی، توانایی‌ها و کارآمدی سیاست خارجی و دستگاه‌های دیپلماسی دیگر بازیگران بستگی خواهد یافت که چگونه هنرمندانه از این فضاهای باقی مانده به نفع خویش و منافع ملی کشورشان بهره‌برداری نمایند.

حداقل ۳ مورد (مناقشه هسته‌ای، افغانستان و مناقشات خاورمیانه) از موارد مشکل‌زا، فیما بین اروپا و آمریکا به مسائل و منافع کشورمان باز می‌گردد. اگر عراق را نیز به چالش‌های پیش روی دولت اوباما بیافزاییم و همه این موارد را در کنار مسائل مربوط به پیوستن خاورمیانه به روند جهانی‌شدن و برپایی نظم جدید در خاورمیانه در جهان به هم پیوسته ببینیم، از جمله نیازهای مبرم این منطقه برای رسیدن به ثبات

پایدار و ایفای نقش سازنده در شبکه جهانی، پرداختن به امور توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در خاورمیانه خواهد بود. همه موارد از این امر حکایت می‌کند که حل و فصل این موارد با نقش و نحوه عمل سیاست خارجی و دیپلماسی ایران ارتباط گریزناپذیری خواهد داشت. نکته آخر اینکه فرصت‌ها همچون شهاب‌سنگ‌ها هستند پدیدار نشده، محو می‌شوند اما تهدیدات و چالش‌ها شاید برای نسل‌ها پایدار باشند. هم اکنون به نظر می‌رسد پنجره‌هایی از فرصت‌ها در برابر سیاست جمهوری اسلامی ایران گشوده شده است که بتواند بر معضلات و چالش‌های ملی کشور فائق آید. امری که نیازمند توجه و دقت می‌باشد.